



# فضای مجازی؛ استعمار مجازی

گزارشی از کارگاه آموزشی دکتر سعیدرضا عاملی،  
رئیس دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران

پنجره‌بودن این محیط است. در فضای واقعی نمی‌توان از یک پنجره در افغانستان وارد عراق شد و از پنجره‌ای در عراق وارد برزیل. نیز محدودیت‌های جغرافیایی و مکانی در فضای فیزیکی موجود است. اما در فضای مجازی می‌توان از یک متن به هزاران متن دیگر ورود پیدا کرد و از یک محیط به هزاران محیط دیگر وارد شد و با زدن چند لینک به بهشت رفت یا برعکس وارد جهنم شد. فضای مجازی محیطی است که فاصله حرکت را خیلی کوتاه کرده است

تفاوت‌های ذاتی متعددی میان فضای مجازی و فضای واقعی وجود دارد. در این راستا باید گفت نفس استفاده از کلمه «مجاز» ما را گرفتار نوعی بدفهمی از فضای مجازی می‌کند. به‌خصوص در زبان فارسی که واژه «مجاز» به فضای دروغین نیز تعبیر می‌شود. البته مجاز در ادبیات عرب به استفاده‌های ثانوی یک کلمه در معانی مشترک نیز گفته می‌شود. در جدول زیر به صورت اجمالی به تفاوت‌های قدرت فیزیکی و نیز قدرت مجازی پرداخته شده است:

۱. قدرت شینی	۱. قدرت ریاضی
۲. قدرت مرکز- مکان محور	۲. قدرت غیرمرکزی
۳. قدرت سیاسی	۳. قدرت فرهنگی
۴. قدرت خطی- تک مسیر	۴. قدرت هایپرلینک- شبکه‌ای
۵. قدرت محلی	۵. قدرت جهانی

که منظور از این مسئله، قرین شدن خیر و نیکی با شر و بدی است و با چند کلیک می‌توان کارهای نیک یا شر انجام داد. در فضای واقعی و جهان فیزیکی بالاخره

یکی دیگر از ویژگی‌های فضای مجازی این است که در فضای مجازی با چند کلیک می‌توان کارهای نیک یا شر انجام داد. نکته دیگر در خصوص فضای مجازی، مسئله

اجتماعی شهرسازی دوره جدید جمهوری اسلامی ایجاد کند.

دوره سوم استعمار، استعمار مجازی است که امروز ۹۰٪ اطلاعات دنیا را در دست گرفته و این مسئله ماست؛ چرا که آنها قصد دارند فرهنگ ما را تاراج کنند. اگر در عرصه جهان مجازی فعال نباشیم و در این سهم خواهی های فضای دوم جهان، سهم خود را نخواهیم، در این عرصه بازنده میدان خواهیم بود. ما باید هم در تولید زیرساخت ها و هم در تولید محتوا متناسب با قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران تلاش جدی و فراگیر کنیم. اگر کسی اهمیت این موضوع را درست متوجه شود، بخش عظیمی از منابع مالی - ملی را به فضای دوم جمهوری اسلامی ایران اختصاص خواهد داد. متأسفانه سهم کل منطقه خاورمیانه از میزبانی اطلاعات ۲۶ صدم درصد است که این مسئله بسیار نگران کننده است. قطعاً

ما باید برای این مسئله برنامه ریزی کنیم؛ چرا که این فضا فضای دوم کشور محسوب می شود. در حقیقت بخشی عظیم از خدمات ملی در این فضا می تواند طراحی شود. امام خمینی (ره) در همان اوایل انقلاب فرمودند که ما با تلویزیون مخالف نیستیم بلکه با تلویزیون حرام مخالف هستیم. در حال حاضر هم این فرمایش امام (ره) درخصوص مسئله اینترنت مصداق دارد. در این راستا باید گفت که ما با ذات اینترنت مخالف نیستیم؛ چرا که اینترنت، هم می تواند ابزار آسایش انسان ها و ابزار تولید فرهنگ خیر و هم ابزار تولیدات شر باشد. قطعاً گوگل، فیس بوک، یاهو، ام اس ان، ویکی پدیا از یک خانواده و ادامه قدرت کاخ سفید هستند. در این تردیدی وجود ندارد. اخیراً ناسا برای نظام توزیع اطلاعات با گوگل قرارداد بسته و تنها در یکی از پرداخت های خود قرار است برای گوگل ۱۰۰ هزار متر مربع ساختمان بسازد. گوگل امروز دستگاهی نیست که تنها خدمات جست و جو ارائه دهد، بلکه به دنبال یک قدرت مجازی جهانی است. این ساختار سازی فرهنگی غالباً با

ما باید هم

در تولید

زیرساخت ها

و هم در تولید

محتوا متناسب با

قوانین و مقررات

جمهوری اسلامی

ایران تلاش جدی

و فراگیر کنیم.

شهوت پرست اجازه نمی دهند فضای مجازی سالم بماند و بنابراین مانند فضای واقعی، فضای مجازی را هم آلوده می کنند. این مسئله آسیب های بسیار جدی در پی دارد. باید این آسیب ها شناخته شوند تا جامعه کمتر در معرض نتایج پلید و ناشایست آنها قرار گیرد. همچنان که استعمار کهنه با ایجاد جنگ های جهانی در دنیا حضور پیدا کرد و انگلیسی ها بر دو سوم دنیا تسلط یافتند، در دوره دوم استعمار نیز تصمیم گرفتند از حوزه جغرافیای کشورهای مستعمره خود خارج شوند و با استعمار نو فرهنگ جهانی را به تسخیر خود در آورند. امروزه حتی معماری ما نیز گرفتار غرب است و شهرسازی ما از غرب الگو گرفته و جوانان ما در پوشیدن لباس هم الگوی غربی را برگزیدند و هر جا را که نگاه می کنیم نشانی از حضور غرب را می بینیم. این نوع حضور بسیار مؤثرتر از حضور فیزیکی است. خوشبختانه نگاه فاخر تمدنی و فرهنگی در اندیشه های رهبر فرزانه انقلاب وجود دارد که می تواند ذخیره و مشوقی برای سیاست گذاری جدی برای بدنه سازی تمدنی در نظام فرهنگی و

تأخیر عمل وجود دارد و اگر کسی بخواهد کاری انجام دهد، باید فاصله ای را طی کند که هنجار اجتماعی در کنار افراد مانع است و دیگران فرد را می بینند. از این رو، او نمی تواند هر رفتاری از خود بروز دهد. اما در فضای مجازی به دلیل پنهان بودن کار، ممکن است افراد طور دیگری رفتار کنند.

اگر بخواهیم تفاوت های فضای مجازی و فضای حقیقی را آشکارتر کنیم، باید بگوییم که جهان فیزیکی جهان تعاملات ضروری و حضوری است. در این راستا، هر قدر هم که جهان الکترونیک پیشرفت کند، نیاز به مسجد و عبادت نه تنها کم نمی شود بلکه حس عمیق تری نسبت به حضور در فضاهای معنوی به وجود می آید. باز هم افراد نیاز دارند که به مسجد بروند یا در حسینه حضور یابند و به دید و بازدید از خویشاوندان خود بپردازند و در کل باید گفت که مجموعه ای از روابط را نمی توان از بشر سلب کرد؛ چرا که سلب این روابط در واقع به معنای پایان حیات بشر است. عمل شیطنانی همان طور که در جهان واقعی وجود دارد، در فضای مجازی هم موجود است و افراد قدرت طلب و



**جنگ نرم را به‌ویژه در فضای مجازی به‌عنوان یک واقعیت در جهان امروز قبول کنیم و آن را بشناسیم. در مقابل آن باید مهم‌ترین و بهترین تجهیزات، امکانات و افکار خود را به‌ویژه در حوزه فرهنگی به‌طور متقابل سامان دهیم و جبهه جنگ نرم خود را به بهترین شکل ایجاد کنیم.**

سازمان دادن و سازمان‌بخشیدن به سیستم ارزش‌های آمریکایی در قالب سازه‌های مجازی مثل گوگل، ویکی‌پدیا و یاهو صورت می‌گیرد. مثلاً سایت پرمخاطب یاهو که روزانه میلیون‌ها بازدیدکننده در سراسر دنیا دارد، ۷۳٪ خبرهای تیترواوش مربوط به آمریکا، ۲۰٪ اخبار فراملی مهم و تنها ۷٪ از این خبرها مربوط به سایر نقاط جهان است. فیس بوک نیز با ۵۰۰ میلیون جمعیت به‌عنوان سایتی برای خوداظهاری عاشقانه و قدرت در محیط مجازی شناخته شده است. مانیفست این سازمان دقیقاً طبق نظام سیاسی آمریکاست. البته نباید فراموش کنیم که این خوداظهاری در فیس بوک در حقیقت امکان قدرتی است برای اداره‌کنندگان آن. جهان قدرت از فضای مجازی نهایت استفاده را می‌برد. برای مثال می‌بینیم که گوگل تا ۱۵۰ متری زمین نزدیک شده است و وقایع را مشاهده می‌کند. گوگل یک میلیون سرور و ۲۰ هزار کارمند پژوهشگر دارد و دائماً این عده روی نرم‌افزارهای جدید کار می‌کنند. اورکات یکی از شوخی‌های گوگل بود که جمعیت عظیمی از نسل جوان ایران را به خود مشغول کرد. گوگل گفته بود که افراد در صورت تمایل می‌توانند اوقات فراغت خود را روی پروژه‌هایی کار کنند. این مسئله خارج از چارچوب وظایف حرفه‌ای آنها بود، بنابراین این جمع کوچک در اوقات فراغت خود اوقات را برنامه‌ریزی کرد. ما باید به این سمت پیش برویم که در صورت دست‌یافتن به فضای مجازی چه کارهایی باید انجام دهیم که این فضا آلوده نشود. تردیدی نیست که جهان قدرت و به‌خصوص آمریکا، خود را مالک جهان مجازی می‌داند. منظور از قدرت مضاعف در واقع همان ترکیب‌شدن قدرت فیزیکی با قدرت مجازی و انباشت تمامی توان‌های پراکنده در محیط قدرت آمریکاست. امپراتوری مجازی نیز به معنای اعمال قدرت صاحبان قدرت در محیط‌های مجازی است. آمریکا خواهان در اختیارگرفتن کامل این امپراتوری است.

اخیراً تحقیقی در ایران، ۲۳ مفسده فضای مجازی را بررسی و راهکارهای مبارزه با این مفسده‌ها را عنوان کرده است؛ برای مثال یکی از این مفسده‌ها هک کردن سایت‌ها یا هرزه‌نگاری در فضای مجازی یا دزدی هویت است. البته امروزه مصرف هرزه‌نگاری در فضای مجازی نسبت به قبل کمتر شده و دلیل آن گسترش استفاده از خدمات این فضا و ورود فضای مجازی به عرصه‌های جدی اداری، آموزشی و پژوهشی است. امروزه تجارت و خرید و فروش از طریق اینترنت بیشتر از گذشته شده است. هر کس که در این حوزه کار نکند، پیشرفت نخواهد کرد و نمی‌تواند فرهنگ متناسب با خود را تولید نماید. در این راستا باید گفت فضای مجازی فضایی است که هر کسی که بیشتر در آن حضور داشته باشد، بیشتر سهم پیدا می‌کند.

یک زمان اگر در اینترنت کلمه «داستان» را به فارسی جست‌وجو می‌کردیم، نتایج آن داستان‌های مستهجن بود، ولی بعد از اینکه داستان راستان شهید مطهری و داستان‌های اسلامی دیگر را وارد این فضا کردیم، با جست‌وجوی کلمه «داستان» نتیجه متفاوتی به دست آمد. اگر چه اعتقاد بر این است که گوگل در رتبه‌بندی اطلاعات خود روش‌های خاصی را به کار می‌برد و لزوماً آن چیزهایی را که مراجعه بیشتری دارند به مخاطب ارائه نمی‌کند. گوگل اولویت‌های خاصی در الگوریتم جست‌وجو دارد، به همین دلیل است که مثلاً در جست‌وجوی کلمات مختلف فارسی فضای وحشت‌زا یا ایران‌بازنمایی‌شده توسط مخالفان جمهوری اسلامی پررنگ‌تر است. قطعاً هیچ‌کس رسماً اعلام نمی‌کند که گوگل در رتبه‌بندی اطلاعات دستکاری می‌کند، ولی زمانی که یک مفهوم را در گوگل جست‌وجو می‌کنیم، اگر آن مفهوم در ویکی‌پدیا وجود داشته باشد، فوراً بالا می‌آید. اگرچه ممکن است آن مفهوم در محیط‌های دیگر هم به طور گسترده موجود باشد، اما لزوماً به این معنا نیست که مصرف ویکی‌پدیا بالاست؛ بلکه

به این سبب است که تمامی این سایت‌ها از شهر کالیفرنیا هستند و یک ارتباط داخلی با هم دارند. اخیراً گوگل، فیس‌بوک را خریده است، پس باید گفت که تعامل شبکه‌ای بین برخی وبسایت‌ها وجود دارد و به نوعی شکلی از هالیوود در فضای مجازی هم شکل گرفته است.

زمانی هالیوود مرکز تولید قدرت آمریکا بود، ولی امروز فضای مجازی مرکز تولید قدرت آمریکاست. اساساً منطق قدرت، منطق تکثیر است؛ یعنی اگر امروز شما یک نوع لباس بر تن کردید و فردا ۵۰ نفر دیگر آن لباس را پوشیدند، به همان میزان شما دارای قدرت هستید. بر این اساس باید گفت که قدرت یعنی توانایی نفوذ در دیگران و کپی شدن نگاه و نگرش افراد در میان اشخاص. جهان مجازی در واقع جهان تکثیر است.

هرجا که لازم باشد مدرنیته به صورت نرم حرکت می‌کند و بزرگ‌ترین خطای جهان غرب هم این بود که حرکت نرم خود را تبدیل به حرکت سخت کرد. اگر این قدرت نرم تبدیل به قدرت سخت نمی‌شد، خطر آن برای مردم جهان آشکار نمی‌گشت. از آنجا که وارد فضای مجازی نمی‌شویم تا در آن فعالیت‌های اسلامی انجام دهیم، زمینه برای حریف باز است. ما با برخورد دفاعی باعث می‌شویم که میدان عمل بیشتری برای وی باز شود. ما باید از این فضا استفاده کنیم، فرهنگ و تاریخ غنی ایران را در این فضا بازتولید نماییم و تولیدات اخیر جمهوری اسلامی را نیز به جهانیان معرفی کنیم. در این راستا باید گفت که می‌توان جامعه آرمانی را در فضای مجازی بازتولید کرد، چرا که این فضا قابل برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری است. همان‌طور که می‌توان شر و بدی را برنامه‌ریزی نمود، خیر و عمل نیک را هم می‌توان با برنامه پیش برد. مسائلی که جامعه را در معرض گناه قرار می‌دهند باید فیلتر شوند. ولی فیلترینگ باید به صورت حرفه‌ای صورت بگیرد تا فقط موارد شرارت‌آفرین را فیلتر کند نه

مثلاً منابع علمی و تخصص‌های مورد نیاز جامعه یا حتی سرگرمی‌های سالم اجتماعی را. کسی که می‌خواهد از فیلترشکن استفاده کند، می‌تواند این کار را انجام دهد، ولی این مسئله هم قواعد خاص خود را دارد و می‌توان به آن فرد مسلط شد.

یکی از نقدها بر فیلترینگ این است که نمی‌توان دقت لازم را در این زمینه داشت. به‌طور مثال هر کلمه‌ای که واژه «زن» در آن وجود دارد فیلتر می‌شود و زمانی که یک پژوهشگر قصد می‌کند پژوهشی در خصوص مسائل فیزیولوژی زنان انجام دهد، به مشکل برمی‌خورد. بنابراین باید فیلترینگ را به سمت تخصصی شدن پیش برد. پس اگر بتوان فیلترینگ را دقیق‌تر کرد، می‌توان نتایج بهتر و مفیدتری از آن کسب نمود. فیلترینگ در بسیاری از نقاط دنیا وجود دارد و حتی در بسیاری از نقاط دنیا جرایم و محکومیت‌های فضای مجازی از جرایم و محکومیت‌های موجود در کشور ما بسیار بیشتر است. به‌طور مثال استفاده از تصاویر هرزه‌نگار کودکان در تمام دنیا جرم تلقی می‌شود. در بلغارستان یک تا دو سال حبس و جریمه نقدی شش هزار یورویی برای این جرم در نظر گرفته شده است و در کرواسی سه تا پنج سال، در قبرس حداکثر پنج سال، در لیتوانی سه سال، در اتریش شش ماه، در مجارستان حداکثر تا دو سال، در آمریکا حداکثر پنج سال و در مواردی تا ده سال حبس و در ایران یک تا پنج سال حبس به همراه جریمه نقدی ۲۰ میلیون تا ۱۰۰ میلیون ریالی برای این مورد خاص در نظر گرفته شده است. البته برخی کشورها فیلترینگ خود را به جهت دیگر پیش می‌برند؛ به‌طور مثال در چین کلمه «مطالعات دینی» غیرقابل دسترسی شده است؛ یعنی اگر بخواهیم در چین، دین را بررسی کنیم، به مشکل خواهیم خورد. هیچ‌جا وجود ندارد که از فیلترینگ مستثنا باشد، ولی اولویت‌ها و موضوعات فیلترینگ در نقاط مختلف متفاوت است.

با توسعه و گسترش قدرت انتخاب، انتخاب برتر برنده خواهد شد. ما در جهانی زندگی

می‌کنیم که با توسعه انتخاب مواجه شده‌ایم؛ یعنی جوانی که تا دیروز انتخابش این بود که در کوچه فوتبال بازی کند، امروز در فضای مجازی یک توسعه انتخاب انفجاری پیدا کرده است. به هر حال باید یک محیط و فضای متعالی و الهی را در عرصه مجازی ایجاد کرد تا فرد بتواند بدون دغدغه به آن مراجعه کند. در این محیط اگر بتوانیم از هنر ایرانی و اسلامی استفاده کنیم بسیار مؤثرتر خواهد بود. این در حالی است که متأسفانه در تمامی سایت‌های ما از الگوهای غربی استفاده می‌شود. قدرت غرب کاری کرده که حتی کسی که قصد می‌کند ارزش دینی را بیان کند، وارد فضای غربی شود و در زمین غربی‌ها ابراز وجود نماید.

### چه باید کرد؟

باید جهان مجازی را جدی بگیریم و مرجعیت خیر و نیکی را در این فضا بالا ببریم. در دنیایی زندگی می‌کنیم که امکان قرین شدن خیر و شر از گذشته تاریخ بشر بیشتر شده است. بنابراین باید تمامی تلاش خود را به کار بگیریم تا از التقاط مضامین خیر و شر پرهیز و تنها بر تولید خیر تأکید کنیم. دنیا نیازمند ایجاد قدرت و امپراتوری مجازی خیر با ظرفیت و تعریف متفاوت است. البته نباید هیچ‌گاه فراموش کنیم که در تمامی مراحل ذکر شده باید به‌طور همزمان فرهنگ استفاده از محیط مجازی را تقویت کرد، ظرفیت‌ها و خطرات این فرهنگ دو فضایی را مستندسازی نمود و آموزه‌های لازم را فراهم آورد.

جنگ نرم را به‌ویژه در فضای مجازی به‌عنوان یک واقعیت در جهان امروز قبول کنیم و آن را بشناسیم. در مقابل آن باید مهم‌ترین و بهترین تجهیزات، امکانات و افکار خود را به‌ویژه در حوزه فرهنگی به‌طور متقابل سامان دهیم و جبهه جنگ نرم خود را به بهترین شکل ایجاد کنیم.

گزارش برگرفته از منبع زیر است:

- خردنامه همشهری (ویژه‌نامه پایداری)، شماره ۶۲، آبان ۱۳۸۹: ۱۰۵-۱۰۳.